روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیرمسئول: مهدی گیوه‌کی

چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ | ۲۴ صفر ۱۴۴۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌وسوم - شماره ۶۳۱۴ | استان تهران و البرز ۴۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۳۵۰۰ تومان | Wednesday -Sep 21, 2022

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

امروز در تاریخ

- زادروز فریدون مشیری، شاعر ایرانی / ۱۳۰۵
- سالمرگ پرویز مشکاتیان آهنگساز، موسیقیدان و نوازنده سنتور / ۱۳۸۸
- تهاجم آمریکا به کشتی «ایران اجر» / ۱۳۶۶

واحه

ناله را هرچند می‌خواهم که پنهانی کشم
سینه می‌گوید که من تنگ آمدم، فریاد کن
امیرخسرو دهلوی

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۵۷	غروب آفتاب: ۱۹:۰۳
اذان مغرب: ۱۹:۲۱	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۶
اذان صبح (فردا): ۴:۲۸	طلوع خورشید (فردا): ۵:۵۲

پیشخوان

کوچه نقاش‌ها

«۱۲ ساله بودم که به دبیرستان جهان رفتم. صبح‌ها درس می‌خواندم و بعدازظهرها در قهوه‌خانه دایی سیدعلی کار می‌کردم. تازه الفبای لاتی را یاد گرفته بودم و برای زندگی‌ام تصمیم می‌گرفتم.» سید ابوالفضل کاظمی از ناشناخته‌ترین رزمندگان و فرماندهان دفاع‌مقدس بود. البته از این ناشناخته‌های بزرگ که دلاوران صحنه جنگ بودند، فراوان داریم. وقتی جنگ شروع شد، او تهران را به مقصد جبهه‌ها ترک کرد. کتاب خواندنی «کوچه نقاش‌ها» روایت خاطرات کاظمی، فرمانده گردان میثم در دوران جنگ تحمیلی از زبان خودش است که چند سالی است انتشارات سوره‌مهر آن را منتشر کرده است. لحن ساده و بی‌پیرایه کاظمی و به تعبیری ادبیات عامیانه او در کتاب، سبب می‌شود مخاطب ارتباطی صمیمی با اثر برقرار کند. بیان تفاوت‌های سال‌های قبل و پس از انقلاب از نقاط قوت گفت‌وگو با کاظمی در این کتاب است. دوران جوانی وی مقارن است با سال‌های مبارزه علیه رژیم طاغوت و بعد از آن، او هشت سال دفاع‌مقدس را تجربه می‌کند. همرزمی او با شهید چمران و دو سال حضور در خاک کردستان از زیباترین و خواندنی‌ترین قسمت‌های کتاب است. کتاب در ۱۶ فصل و براساس تاریخ وقایع و مکان آنها تدوین شده است. به دلیل تمرکز بر حوادث جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، رخدادهای انقلاب اسلامی در این اثر به صورت خلاصه آمده‌است. «کوچه نقاش‌ها» طی دو سال و براساس سه ماه مصاحبه تدوین شده است. لحن راوی در جای جای کتاب حفظ شده و راحله صبوری تلاش کرده در نوشتن خاطرات ابوالفضل کاظمی به واژه‌ها، تکیه‌کلام‌ها و اصطلاحات خاص وی وفادار باشد. عنوان کوچه نقاش‌ها هم برمی‌گردد به نام کوچه‌ای که سید ابوالفضل کاظمی کودکی‌اش را با بسیاری از همرزمانش در آنجا سپری کرده است.

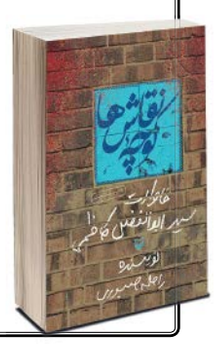

اتوبوس‌های تهران کم و فرسوده‌اند

داستان غم‌انگیز حمل‌ونقل

میثم اسماعیلی
روزنامه‌نگار

قصه اتوبوس‌های تهران قصه پرسوز و البته پرتکراری است، حالا نزدیک به یک دهه است که مدیران شهری با وعده نوسازی ناوگان عمومی به ساختمان بهشت پامی‌گذارند و هر بار هم، کسی نمی‌تواند این وضعیت را سامان ببخشد. همین دیروز رئیس شورای شهر پایتخت اعلام کرده بود برمبنای طرح جامع شهر تهران و براساس محاسبات صورت‌گرفته حداقل تعداد اتوبوس‌های شهر تهران باید به عدد ۹۰۰۰ دستگاه اتوبوس برسد. این کف نیاز تهران برای نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی‌اش است اما در بهترین شرایط موجود حالا وزارت کشور گفته تا پایان سال سعی می‌کند ۹۰۰ دستگاه اتوبوس نو به این ناوگان اضافه کند. وقتی از فرسودگی این ناوگان حرف می‌زنیم به نوعی داریم به مسأله ساده نگاه می‌کنیم، چراکه اساسا ناوگان حمل و نقل عمومی در حال فروپاشی است. خود معاون شهردار وضعیت اتوبوس‌های تهران را «اسفناک» توصیف کرده و گفته «از زیرسنگ هم شده، باید اتوبوس بیاوریم» اما اصلا چقدر اتوبوس در پایتخت وجود دارد که رئیس شورای شهر تهران گفته ۹۰۰۰ دستگاه نیاز دارد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان از آمارهای اعلامی شرکت واحد اتوبوسرانی شهرداری تهران متوجه شد، هرچند این داده‌ها برآیندی از کلیتی است که در واقعیت وجود دارد اما این سازمان اعلام کرده در حال حاضر ۶۰۰۰ دستگاه اتوبوس در تهران تردد می‌کنند. مسئولان این سازمان گفته‌اند با این حساب پایتخت تنها ۳۰۰۰ دستگاه نیاز دارد! اما از میان آمارهای موجود می‌توان نکته‌های قابل‌توجهی هم به چشم دید. به عنوان مثال در حال حاضر ۱۲۵۰ اتوبوس در خطوط بی.آر.تی مشغول جابه‌جایی شهروندان هستند اما ۷۰۰ دستگاه از این اتوبوس‌ها بالای ۱۰ سال سن دارند و باید نوسازی شده و از رده خارج شوند. از این دست آمارها بسیار است، شاید یکی از عجیب‌ترینش این باشد که به نوشته رسانه شهرداری تهران در ماه گذشته «۹۵ درصد اتوبوس‌های شهر تهران فرسوده یا ازرده خارج‌شده به حساب می‌آیند.» قصه فرسودگی ناوگان حمل و نقل به اتوبوس‌های شهر محدود نیست و می‌دانیم در حال حاضر ۱۵۰ هزار دستگاه تاکسی فرسوده در کشور وجود دارد که ۴۷ درصد از ناوگان تاکسیرانی را شامل می‌شود. و جالب‌تر این‌که بدانیم این تعداد در سال پیش رو به ۲۴۰ هزار دستگاه می‌رسد که ۷۵ درصد از ناوگان تاکسیرانی خواهد بود. در حال حاضر در تهران ۷۸ هزار تاکسی تردد می‌کنند که براساس آخرین آمارها، ۳۵ هزار دستگاه از این تعداد فرسوده هستند. این درست که سال‌های سال شهرداری تهران به دولت‌ها درباره وظیفه قانونی‌شان در رابطه سهم تامین اتوبوس گوشزد کرده اما خود شهرداری هم نگاهی جدی به وضعیت توسعه حمل‌ونقل عمومی نداشته است. امید احمدی‌لاری که کارشناس حوزه شهری است در این رابطه به جام‌جم می‌گوید: «در سال‌های گذشته شهرداری تهران منابع بیشتری را برای گسترش بزرگراه‌ها صرف کرده است. براساس اظهارات مسئولان شهرداری، هزینه ساخت پل صدر و تونل نیایش به تنهایی ۵۰۰۴ میلیارد تومان برآورد شده در حالی که کل بودجه حمل و نقل عمومی شهر تهران در سال ۹۵، ۳۸۱۳ میلیارد تومان بوده است.» او از مفهومی به نام سیاست‌های خودرومحور حرف می‌زند و بر این باور است که انحصار صنعت خودروسازی در ایران و حمایت همه جانبه از آن باعث شده دولت‌ها تعمدا به توسعه حمل و نقل عمومی فکر نکنند. نشانه‌های مورد اشاره این کارشناس شهری هم هویداست، به عنوان مثال در حال حاضر شش برابر ظرفیت معابر تهران خودرو در حال تردد است و این در حالی است که ۷۰ کیلومتر بیش از آن‌که برای تهران تا افق ۱۴۰۴ تونل و بزرگراه پیش‌بینی شده در تهران معبر ساخته شده است. در این میان اما قربانی همه شهروندانی‌اند که مجبور به استفاده از ناوگان حمل و نقل شهری هستند. احمدی‌لاری می‌گوید: «در سال‌های گذشته دولت‌ها و شهرداری تهران دائما یکدیگر را در ماجرای بودجه حمل و نقل عمومی متهم کرده‌اند. این امر حداقل در سه دولت قبلی ادامه داشته، یعنی حداقل به مدت ۱۲ سال وسایل حمل و نقل عمومی تهران لنگیده‌اند. فارغ از قصور هرکدام از طرفین، به نظر می‌رسد این موضوع قربانی کشمکش‌های سیاسی شده و دود آن هم تا جای ممکن به چشم و ریه مردم رفته است.»

حکمت

امام علی (ع)

آرزوهایت را کم کن، اعمالت خالص می‌شود.

غررالحکم

نکته روز

از گور برگشته

زن انگلیسی که به‌دست نامزدش زنده دفن شده بود، نجات یافت

یک عروس انگلیسی پس از زنده به‌گور شدن توسط نامزدش، موفق شد از قبر خود بیرون بیاید. همین یک جمله می‌تواند توضیح روایت یک فیلم سینمایی باشد اما به نوشته باشگاه خبرنگاران جوان، این اتفاقی است که در انگلیس افتاده است. ماجرا از این قرار است که چند سال پیش کیت هیوز، شهروند ۳۹ ساله انگلیسی حین پیاده‌روی در ساحل با خیال این‌که استیسی گیلیام نامزد ۳۴ ساله خود را به طور کامل خفه کرده، او را دفن کرد اما خب استیسی نمرده بود!

هیوز پس از تصادف با ماشین استیسی دستگیر شد و با ترس به پلیس گفت: «شما هرگز او را پیدا نخواهید کرد.» اما استیسی نمرده بود و با استفاده از ناخن‌هایش، خود را از قبر خارج کرد. گرچه او کمک کرد تا هیوز به دست عدالت سپرده شود، اما دیگر سلامت و وضعیت جسمانی سابق خود را بازنیافت. او سه ماه پس از این اتفاق در بیمارستان بود و باید آموزش می‌دید که چگونه دوباره صحبت کند و راه برود. بی‌سی تام ایوانز، عضو پلیس ولز جنوبی توضیح داده است که استیسی، کارگر سابق ویرجین آتلانتیک، در سال‌های بعد دچار حملات مکرر ذات‌الریه شد و در سن ۴۰ سالگی درگذشت. ایوانز افزود: او از افسردگی و اضطراب شدید رنج می‌برد و همچنین به دلیل زنده به‌گور شدن به ذات‌الریه مبتلا شده بود. استیسی برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ با هیوز آشنا شد و در طول این مدت مدام مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود. استیسی در نوامبر سال گذشته پس از ابتلا به عفونت قفسه سینه در خانه خود درگذشت. او در ست یک روز قبل از مرگش با پزشک خود تماس گرفت و پزشک از او خواست آنتی‌بیوتیک مصرف کند اما روز بعد به طرز غم‌انگیزی جسد او را در رختخواب پیدا کردند. هیوز توسط قاضی پل توماس در دادگاه سوانسی کراون به حبس ابد محکوم شد.

نکته روز

احمق‌ترین مجرم جهان

وقتی ضریب هوشی یک مجرم باعث دستگیری‌اش شد!

حتما که انجام جرم و جنایت حداقل نیاز به یک هوش و ذکاوت ضمنی دارد اما حالا اقدام یک مجرم در آفریقای جنوبی باعث شده نام او را به عنوان «احمق‌ترین مجرم جهان» به یاد بیاورند.

مردی ۴۰ ساله در آفریقای جنوبی که در فهرست تحت تعقیب جنایی قرار داشت، پس از ورود به ایستگاه پلیس برای یافتن شغل در آنجا، احمق‌ترین مجرم جهان لقب گرفت. توماس انگکوبو سال ۲۰۱۵ به عنوان فروشنده یک فروشگاه بیش از ۱۲۰۰ دلار از محصولات الکترونیکی آن فروشگاه را سرقت کرد و از آن زمان تاکنون متواری بود. او بسته‌های ارسالی محصولات را بدون رضایت یا اطلاع مالک به آدرس‌های دیگر هدایت می‌کرد و زمانی که مدیرش متوجه این کار او شد، فرار کرد. زمانی که کارفرما علیه او شکایت کرد، نام انگکوبو به فهرست افراد تحت تعقیب جنایی پلیس اضافه شد اما او موفق شده بود به مدت هفت سال مانع از دستگیری خود شود. سرتیپ سیلوی موهلا، سخنگوی پلیس امپومالانگا گفت که همکارانش در ایستگاه پلیس محلی از مشاهده توماس انگکوبو متحیر شده بودند. پلیس گزارش داده است که در تاریخ ۱۵ آگوست، انگکوبو به ایستگاه پلیس مراجعه کرده تا شکایت کند که چرا به درخواست او برای شاغل شدن در آنجا پاسخ نداده‌اند که در همین حین فورا بازداشت شد. از زمانی که خبر دستگیری توماس انگکوبو در فضای مجازی منتشر شد، او احمق‌ترین مجرم جهان لقب گرفت.

پرسه

نژادپرستی شاه جدید

در ویدئوی جدید که گفته می‌شود مربوط به مراسم خاکسپاری ملکه انگلیس است، جانشین وی در اقدامی نژادپرستانه و بدون حتی حفظ ظاهر، از دست دادن با یک مرد سیاه‌پوست حاضر در جمعیت خودداری می‌کند و او را نادیده می‌گیرد. در این ویدئو، او پس از دست دادن و خوش‌وبش با جمعیتی که برای مراسم خاکسپاری ملکه خارج از کاخ باکینگهام شرکت کرده‌اند، در اقدامی نژادپرستانه از دست دادن با یک مرد سیاه‌پوست آفریقایی خودداری می‌کند، او را نادیده می‌گیرد و بعد به دست دادن با سایر افراد سفیدپوست ادامه می‌دهد. این اقدام پادشاه انگلیس، واکنش‌ها و بحث‌های زیادی را در شبکه‌های مختلف اجتماعی برانگیخته و بسیاری او را یک نژادپرست سرسخت توصیف کرده‌اند. اقدام وی همچنین خشم کنیایی‌ها را به دنبال داشته است. چارلز سوم که بعد از فوت مادرش ملکه «الیزابت دوم» به پادشاهی انگلیس رسیده به خاطر گاف‌های متعددش در روزهای گذشته، جنجالی شده و برای بسیاری یاد و خاطره پدرش، شاهزاده «فیلیپ» را زنده کرده است.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد را اسکن کنید

ترفند تازه برای گرانفروشی!

در گذشته یکی از چالش‌های اصلی در بازار، درج قیمت‌های غیرقانونی و غیرواقعی برروی کالاها بود. همین موضوع باعث شد عباس تابش، معاون سابق وزیر صمت و رئیس‌کل سازمان حمایت تولیدکنندگان کشور را موظف کند قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده را از اول اردیبهشت امسال برروی همه کالاها درج کنند. قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده باید روی کالا درج شود تا مردم بتوانند گرانفروشی را اطلاع دهند اما به‌تازگی برخی تولیدکنندگان با شگردهای جدید خود، قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده را مخدوش کرده قیمت جدید و دلخواه را اعلام می‌کنند. به‌تازگی فیلمی منتشرشده که نشان می‌دهد تن ماهی ۳۵ هزار تومانی را با قیمت ۴۰ هزار تومان به دست مشتری می‌رسانند.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد را اسکن کنید

فروش کلیه برای آیفون

پیش‌فروش محصولات اپل هرسال پیش از مراسم رونمایی محصولات جدید برگزار می‌شود. صف‌های طولانی برای خرید محصولات جدید اپل سوژه عکاسان و رسانه‌ها شده است. امسال اما انتشار تصویر سه جوان تایلندی با آیفون ۱۴ و پهلوهای باندپیچی‌شده بسیار سروصدا به‌پا کرده است. صفحات خبری این تصویر را با تیتر «فروش کلیه برای خرید آیفون ۱۴» بازنشر کردند. کار تا جایی پیش رفت که یکی از مقامات این کشور هم علیه آن موضع گرفت. هرچند این تصویر شوخی بود اما خبر فروش کلیه برای خرید آیفون چندان هم عجیب نیست چراکه در سال‌های گذشته دو جوان ۱۷ و ۲۵ ساله چینی برای خرید محصولات اپل کلیه‌های خود را فروخته بودند.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد را اسکن کنید

چهارراه

قصه ما و اسکار

چند برش از مهم‌ترین حضورهای سینمای ایران در اسکار

قصه سینمای ما و اسکار قصه دور و درازی است. در طول حدود چهار دهه گذشته که از حضور ما در این جشنواره سینمایی می‌گذرد، فراز و نشیب‌های بسیاری در میان بوده است. در همه این سال‌ها هم البته چالش‌های ثابتی همچون انتخاب فیلم برای این جشنواره مطرح بوده است. در رابطه با این جایزه سینمایی (که چه بخواهیم چه نخواهیم باعث دیده شدن فیلم‌های برنده در جهان می‌شود) چند نگاه مطرح بوده است، این‌که قائل باشیم به سیاسی بودن این جشنواره (که خب بحثی پرواضح است در سیاسی بودن اهداف انتخاب آن) و با این نگاه فیلم‌هایی را به اسکار ارسال کنیم که به نوعی بیانگر دیدگاه و سیاست‌های فرهنگی ماست و البته نگاهی دیگر ناظر بر این است که فارغ از سیاست‌های فرهنگی موجود در کشور، باید فیلمی ارسال کنیم که شانس برنده شدن آن بالاتر باشد، چراکه انتخاب این فیلم می‌تواند سینمای ایران را به نوعی جهانی‌تر کند. انتخاب فیلم‌ها برای ارسال به اسکار در این سال‌ها از سوی ایران هم معمولا با توجه به این دو دیدگاه صورت گرفته است، در مواردی فیلم‌هایی ارسال شده که اساسا مولفه‌های ثابت رقابت را هم نداشته به این معنا که فاقد شیوه‌نامه‌های معمول برای شرکت در این مراسم بوده اما از سوی ایران انتخاب شده تا صرفا پیامی برای این جشنواره و مخاطبانش بوده باشد.

چگونه شروع شد؟!

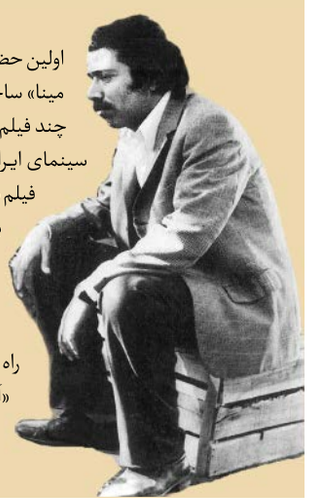

اولین حضور سینمای ایران در اسکار مربوط به فیلم «دایره مینا» ساخته داریوش مهرجویی در سال ۱۳۵۶ است. هر چند فیلم به فهرست نهایی راه نیافت. پس از آن، ۱۷ سال سینمای ایران در اسکار غایب بود تا باردیگر در سال ۱۳۷۳ فیلم «زیر درختان زیتون» ساخته عباس کیارستمی پس از اقبال در جشنواره کن به عنوان نماینده سینمای ایران به اسکار راه یافت. هر چند فیلم عباس کیارستمی هم در فهرست پنج منتخب نهایی بهترین فیلم خارجی آن سال راه نیافت. در آن سال آکادمی اسکار فیلم «آفتاب سوخته» ساخته درخشان نیکیتا میخالکوف از روسیه را شایسته این جایزه دانست.

بچه‌های آسمان

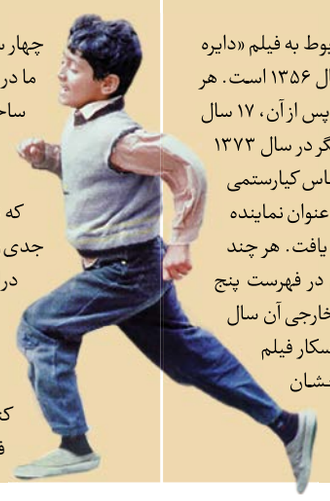

چهار سال پس از آن یعنی در سال ۱۳۷۷ اما اولین موفقیت ما در اسکار رقم خورد و فیلم درخشان «بچه‌های آسمان» ساخته مجید مجیدی توانست برای اولین بار در فهرست نهایی پنج منتخب نهایی این جایزه قرار بگیرد. این اولین حضور جدی سینمای ایران در اسکار بود، اتفاقی که توانست راه بسیاری از سینماگران ایرانی برای حضور جدی و مناسب را در جهان باز کند اما اقبال بد مجید مجیدی در این بود که با وجود فیلم درخشان «بچه‌های آسمان» او یک رقیب جدی به نام «زندگی زیباست» ساخته روبرتو بنینی از ایتالیا داشت. فیلمی که توانست در آن سال جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی را از آن خود کند. مجید مجیدی با شش حضور، همچنان رکورددار فیلمسازان ایرانی در اسکار است.

بدرود بغداد

هر چند فیلم «درباره الی» ساخته اصغر فرهادی در سال ۱۳۸۸ باوجود استقبال در جشنواره برلین و کسب جایزه از آن جشنواره شانس سینمای ایران را در اسکار بالا برده بود اما فیلم او نتوانست به فهرست نهایی منتخبان راه یابد. سال بعد از آن اما اتفاق جالبی افتاد و وزارت فرهنگ و ارشاد دولت دهم این بار فیلمی را برای این جشنواره ارسال کرد که شرایط معمول حضور در این رقابت را هم نداشت اما قرار بود فیلم «بدرود بغداد» به نوعی مخالفت با سیاست‌های آمریکا در منطقه باشد تا نماینده سینمای ایران. فیلم به رقابت‌ها راه نیافت اما این حرکت وزارت فرهنگ به‌نوعی در تاریخ مناسبات ما با اسکار ثبت شد.

جدایی نادر از سیمین

سال بعد از این اتفاق اما مهم‌ترین بخش از این مناسبات با برنده شدن فیلم «جدایی نادر از سیمین» اتفاق افتاد. سال ۱۳۹۰ این جایزه هم به فهرست جوایز سینمای ایران اضافه شد. فیلم جدایی در آن سال رقبای سرسختی هم نداشت و همین امر باعث شد فیلم فرهادی راه سهل‌تری برای انتخاب داشته باشد. البته که فیلم دیگر او یعنی فروشنده هم در سال ۹۵ توانست جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی را به خود اختصاص دهد اما هنوز هم کارشناسان این حوزه باور دارند آن سال، فیلم نماینده کشور آلمان فیلم شایسته‌تری برای انتخاب بود و جایزه فرهادی را به نوعی در ادامه سیاست‌های این آکادمی می‌دانند.